

نظری بزمذهب در ایران

ادیان ایرانی از نظر تاریخی بدو قسمت پیش از اسلام و بعد از اسلام تقسیم میشود:

اصولا تمام ادیانی که از بعثت زرتشت تا ظهور اسلام و غلبه‌ی عرب بر ایران مورد قبول اکثر مردم این کشور بوده است بردواصل خیر و شر، یا نور و ظلمت یا هر مزد و اهریمن استوار بوده است. منتهی این ثنویت زرتشت چنین توجیه میکند که «دولت خیر ابدی و سرمدی و ظلمت شرعاری و فنا پذیر است».

و سرانجام خیر بر هر غلبه خواهد کرد و اهورامزدا که سرسلسله‌ی همه خیرات است بی تزاخم اهریمن مالك علی الاطلاق جهان خواهد گشت. بنا بر این این ثنویت روزی به توحید مبدل خواهد گشت و جهان سراسر از آن اهورامزدا خواهد گردید.

مانی پسر فاتك (۲۱۶-۲۷۷ میلادی) پینمبر دیگر ایرانی که بروزگار شاهپور اول ساسانی ظهور کرده است و در زمان بهرام اول کشته شد، و مزدك پسر بامداد پینمبر اشتراکی مذهب ایران که در روزگار قبادبرخاست و در ۵۲۹ میلادی بامرانوشیروان با پیروانش بقتل رسید، نیز اساس دین خود را بر این دوگانگی یا ثنویت نهاده بودند، با این فرق که مانی میگفت: اختلاط نور و ظلمت و اعمال هر دو از روی اراده است. ولی مزدك اعتقاد داشت که کارهای نور از روی اراده، و اعمال ظلمت از روی عدم اراده و بر حسب اتفاق و تصادف است.

ادیان دیگر ایرانی در پیش از اسلام بر همین دواصل استوار است. بر اثر حمله‌ی عرب و نفوذ دین اسلام در ایران کیش زرتشتی نه تنها بتدریج جای خود را بزمذهب تازه، یعنی اسلام داد بلکه خود نیز تحت تأثیر منفی اسلام قرار گرفت و بسیاری از عقاید پیشین را که از نظر اسلام شرك و خرافه محسوب میشد از دست داد، و پرستش ایزدان گوناگون حتی تظاهر بدوگانه پرستی موقوف گردید، تا توحید و یکتایی هر مزد یعنی خداوند بی همتا بهتر نمایان باشد. پس از حمله‌ی عرب زرتشتیان برای اینکه از دسترس مهاجمان تازی دور باشند کم کم از حاشیه‌ی غربی کشور که مجاور خاک عربستان بود فراتر رفته نواحی شرقی و مرکزی و جنوبی را برای سکونت خوهر گزیدند

و گروه بسیاری از آنان مرزو بوم خود را گذاشته به هندوستان مهاجرت کردند که پارسیان هند از اعقاب ایشانند .

در سرشماری سال ۱۳۳۵ شمسی عدهی زرتشتیان بترتیب تمرکز جمعیت در یزد و کرمان و تهران و اصفهان بیش از دیگر نقاط ایران بودند طبق آمار مزبور شمایهی زرتشتیان ایران از مرد وزن اکنون بالغ بر ۱۵۷۲۳ تن میباشد که کماکان اوستارا کتاب آسمانی و مقدس خود دانسته در یزد و کرمان و تهران دارای آتشکده و دخمه هستند و بعلت تخصیص ازدواج در میان همدیگان خود، ویا پذیرفتن دین اسلام کمتر و کیش بهایی بیشتر شماری آنان هر ساله روبه تقلیل میروند .

طبق قانون اساسی ایران دین زرتشتی از ادیان چهار گانهی رسمی کشور (اسلام، یهود، مسیحی، زرتشتی) بشمار میرود و مانند اقلیت های مزبور حق دارند که در مجلس شورای ملی ایران نماینده داشته باشند.

دین اسلام

دین اسلام که حضرت محمد پیشوای عظیم الشان آن در ۵۷۰ میلادی در مکه از بلاد عربستان بدنیا گام نهاد و در ۶۲۲ میلادی از مکه به مدینه هجرت کرد و در ۶۳۲ از این جهان رخت بر بست ، بر اساس توحید و یکتا پرستی استوار و کتاب مقدس آن قرآن است. این دین آسمانی بر اثر شکست نهایی که ایرانیان از لشکر عرب در ۶۴۲ میلادی در نهاوند خوردند و تحت تسلط آن قوم درآمدند . بایران راه یافت و در اندک مدتی سراسر این کشور را فرا گرفت .

مردم ایران ، مذهب جدید را که صلاهی توحید و عدالت و مساوات در داده بود پذیرفتند . ایرانیان با اینکه در توسعهی ادبیات عرب و خدمت بان زبان ، سهم بسزایی داشتند از همان روزهای اول خراج اسلام و عرب را از هم جدا کرده بر خلاف ملل مغلوب دیگر چون : مردم عراق و سوریه و مصر و شمال افریقا که مستعرب شدند زبان و آداب و رسوم ملی خود را محفوظ داشتند و پس از دو بیست سال از زیر سلطهی عرب بیرون آمده استقلال خود را بازیافتند مذهب عامهی مردم در ایران ، تا زمان صفویه کیش سنت و جماعت بود و قها احکام و شرایع اسلام را از چهار منبع : قرآن، سنت، اجماع، و قیاس اخذ میکردند و بیشتر مردم غالباً بر یکی از مذاهب فقهی چهار گانه حنفی، مالکی، شافعی، و حنبلی بودند .

بعد از غلبهی مذهب تشیع اکنون پیش از سه میلیون سنی در ایران وجود ندارد که غالباً از دو فرقهی شافعی و حنفی هستند .

کردها و سنیان لارستان و بنادر جنوب غالباً متدین بزمذهب شافعی و

ترکمانان و عوالمش و سنیان مجاور مرز افغانستان بیشتر حنفی مذهب میباشند. مسلمانان ایران نماز و ادعیه‌ی مذهبی را مانند دیگر مسلمانان جهان بزبان عربی ادامیکنند و قرآن را بهمان زبان عربی میخوانند.

مذهب شیعه

این مذهب که از فرق بزرگ اسلام است و اکنون اکثر مردم ایران متدین بآن هستند به پیروان علی بن ابی طالب در گذشته در ۴۰ هجری ۶۶۱ میلادی پسر عم و داماد پیغمبر یعنی شوهر حضرت فاطمه اطلاق میشود و معتقدند که علی علیه السلام جانشین بلا فصل پیغمبر اسلام است و میگویند که حضرت محمد پیش از وفات خود در باره‌ی امامت او وصیت کرد و او را به جانشینی خود معین فرمود و امامت نیز پس از وی تا آخر الزمان در فرزندان علی که از بطن فاطمه دخت پیغمبر باشد خواهد بود. از این روایه در نزد ایشان معصوم از خطا و صاحب زمان و مرجع همه امور دینی و دنیوی هستند این فرق در آغاز «شیعه‌ی علی» یعنی پیروان علی میخواندند ولی بعدها برای اختصار مضاف الیه آن را حذف کرده به لفظ شیعه اکتفا کردند.

شیعیان اهل سنت و جماعت را که اکثریت مسلمین را تشکیل میدهند عامه خوانند و خویش را در برابر ایشان خاصه یعنی فرقه‌ی که اختصاص به پیروی از اهل بیت رسول خدا دارند میخوانند.

مذهب شیعه که اصلا فکری عربی و از نظر سیاسی بر اثر اختلاف بین بنی هاشم و بنی امیه پیدا شده بود بعد از انتقال دار الخلافه‌ی علی از مدینه بشهر کوفه در عراق که در آن زمان ناحیه‌ی ایرانی نشین بشمار میرفت کم کم در میان ایرانیان انتشار یافت و نهال مهر علی و ارادت به اهل بیت در دل‌های ایرانیان بارور گردید.

ظلم بنی امیه و سیاست ضد ایرانی ایشان مردم ایران را که بر اثر فاجعه‌ی کربلا و شهادت حضرت حسین بن علی (ع) حس رقت و عاطفت نسبت به خاندان پیغمبر در ایشان پیدا شده بود آنان را از دشمنان آن خاندان و بخصوص از بنی امیه متنفر ساخت. قرابت ائمه‌ی شیعه از طرف مادر حضرت زین العابدین با ایرانیان آن خاندان را محبوب آنان ساخت و چون ایرانیان زن حضرت حسین بن علی و مادر علی بن حسین (زین العابدین) امام چهارم را دختر زید گردرد سوم آخرین شاهنشاه ساسانی می‌پنداشتند از این موازنه ملی هم برای آن خاندان تقدس دیگری قایل بودند و ایشان را از خود میدانستند.

به همین علل بود که در قیام مختار بن ابوعبیده ثقفی که در ۶۸۵ میلادی در کوفه بغوای خواهی حسین بن علی برخاست جانب او را گرفته از جان قشانی در این راه دریغ نکردند.

قیام ابو مسلم خراسانی بر ضد بنی امیه که منجر به انقراض این خلافت و

روی کار آمدن خلافت عباسیان شدن نیز يك قیام ایرانی و شیعی بود زیرا ابو مسلم مردم را به «رضامن آل محمد» یعنی اختیاریگی از فرزندان پیغمبر بخلافت دعوت میکرد، منتهی عباسیان از این عواطف اهل بیت دوستی ایرانیان استفاده کرده خود را بجای آل محمد قالب زدند.

فرق شیعه

اختلاف در مسأله‌ی امامت و ترجیح یکی از فرزندان علی برد دیگری باعث آن شد که مذهب شیعه از همان آغاز تشبیه پذیرفته بفرقه‌های بسیار تقسیم گردد که همه ایشان رامیتوان تحت سه صنف «غلاة»، امامیه، و زیدیه» خلاصه کرد. غلاة: این فرقه در محبت علی و خاندان او راه غلو و گزافه‌گویی را پیموده قائل به الوهیت حضرت علی و ائمه شدند این فرقه در حقیقت از فرق شیعه محسوب نمی شدند بلکه دشمنان شیعه آنان را در عداد آن قوم شمردند. از غلاة شیعه اکنون جز گروه قلیلی بنام «اهل حق» یا «علی الریان» در ایران اثری باقی نیست و آنان که دارای آداب و رسوم مخصوصی هستند غالباً در کرمانشاهان و تهران و آذربایجان زندگی میکنند.

زیدیه

این فرقه پیروان زید بن علی بن حسین بن علی هستند و چون او ازشاگردان و اصل بن عطاء معتزلی بود از این جهت پیروان او از نظر فلسفه دین معتزلی شدند. زید با مرهشام بن عبدالملك در ۷۴۰ م در کوفه کشته شد زیدیه بخلاف امامیه بر آنند که نص صریحی بر خلافت علی موجود نبود از این رو علی (ع) پس از رحلت پیغمبر با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کرد و خلافت آنان را بر سمیت شناخت. از این جهت زیدیه بخلاف امامیه امامت و خلافت ابوبکر و عمر و عثمان را پس از پیغمبر درست میدانند. گروهی از زیدیه سرانجام موفق شدند که دولتی زیدی بنام «سادات علوی» در ۲۵۰ هجری ۸۶۴ میلادی در گیلان و مازندران تشکیل دهند و متجاوز از صدسال در آن سامان حکومت نمایند زیدیه دیگر در ایران وجود ندارند و بیشتر در کشور یمن بسر می‌برند.

امامیه

این فرقه که از فرق معتبره شیعه هستند حضرت علی بن ابی طالب را از جانب خدا و رسول امام دانسته گویند پیغمبر به نص صریح او را جانشین خود ساخت و پس از وی امامت در فرزندان علی باشد. از این فرقه دسته‌یی پیدا شدند که اسماعیلیه یا هفت امامیان نام دارند. آنان معتقدند که رشته امامت از علی بن ابی طالب به پسرش حسن و پس از او به برادرش حسین و پس از او به پسرش علی بن حسین (زین العابدین) و پس از او به پسرش امام محمد باقر و پس از او به امام جعفر صادق رسیده و چون امام جعفر صادق وصیت کرده بود که پس از او پسر مهترش اسماعیل امام شود و اسماعیل هم در ۱۴۵ هـ - (۷۶۲ میلادی) پنج سال پیش از

مرگ پدرش در گذشت آنان مرگ او را راست ندانسته و قائل به غیبت او شدند و امامت حضرت موسی کاظم پسر دیگر امام جعفر صادق را انکار کردند. بعضی از ایشان قایل به امامت محمد بن اسماعیل شدند و از این رو آنان را اسماعیلیه گفتند و نیز بنامهای دیگر چون: قرامطه و باطنیه و ملاحده و سبیمیه و غیره خوانده شده‌اند که ذکر ایشان در تواریخ مسطور است.

اسماعیلیه که سابقاً پیش از حسن صباح و جانشینان او تارو زگار مغول در ایران قدرت فراوان داشتند اکنون در هند و زنگبار و پاکستان و غیره زندگی میکنند و پیشوای خود را (آقاخان) میخوانند و از نسل محمد بن اسماعیل میدانند از این فرقه هنوز عده‌ی قلیل در ایران از جمله خراسان و محلات و قاینات و کرمان وجود دارند و به‌چند هزار تن میرسند.

اثنی عشریه

این فرقه اکثریت شیعه را در عالم تشکیل میدهند و آنان بدو ازده امام قائلند در مقابل سبیمیه یا عفت امامیان یعنی اسماعیلیه که در بالا از ایشان یاد کردیم و نامهای دوازده امام در نزد ایشان از این قرار است:

۱- علی بن ابی طالب - ۲- حسن بن علی - ۳- حسین بن علی - ۴- علی بن حسین (زین العابدین) - ۵- محمد بن علی الباقر - ۶- جعفر بن محمد الصادق - ۷- موسی بن جعفر الکاظم - ۸- علی بن موسی الرضا - ۹- محمد بن علی التقی - ۱۰- علی بن محمد النقی - ۱۱- حسن بن علی المسکری - ۱۲- محمد بن حسن المهدی که امام غایب و منتظر است. این فرقه را امامیه‌ی مطلق نیز گویند و به‌متدیه‌ی ایشان چون جهان‌هیچ‌گاه از وجود امام که حجت خداوند بر روی زمین است خالی نیست از ایشان و حجت خداوند پس از امام یازدهم فرزند او محمد بن الحسن است که در ۲۶۰ هجری (۸۷۴ میلادی) در پنجسالگی یا چهارسالگی از انظار خلق غایب شد و پس از یک دوره‌ی ۶۹ ساله با اسم (غیبت صغری) که در آن دوره چهارتن از بزرگان شیعه نایب او بودند دوره‌ی غیبت صغری پایان رسید و دوره‌ی (غیبت کبری) که هنوز هم ادامه دارد آغاز گشت (۳۲۹ هجری و ۹۴۰ میلادی) و هر گاه مشیت خدا قرار گیرد ظهور خواهد کرد و جهان را که در آن گاه ظلم و جور فرا گرفته پیر از عدل و داد خواهد ساخت و تاقیام قیامت در جهان بعدالت حکم خواهد فرمود. امامیه پیغمبر و حضرت فاطمه و دوازده امام را چهارده معصوم گویند.

اصول مذهب شیعه: توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت است.
و منابع احکام ایشان قرآن «سنت» و «اجماع» و عقل میباشد.

فقه شیعه

فقه یا قوانین مذهبی شیعه که از همان روزگاران نخستین به جهت پیروی از قرآن و سنت یعنی از اخبار ائمه‌ی معصومین راه خود را از فقه سنی که تنها پیروی از قرآن و سنت میکردند جدا نموده مکتب تازه‌ای را در اسلام بنیاد گذاردند که بنام امام ششم جعفر صادق (۸۰-۱۴۸ هجری، ۷۰۰-۷۶۵ میلادی) که او را مؤسس فقه شیعه میتوان نامید و اغلب احادیث فقهی راجع باوست - فقه جعفری خوانده میشود.

این فتاوی و آراء ائمه را بعد از غیبت امام دوازدهم یعنی از قرن چهارم هجری علمای شیعه در چهار مجموعه‌ی بزرگ گرد آوردند که در نزد شیعه کتب اربعه خوانده میشود و بقراردیل است:

نخست کتاب **الکافی** در اصول و فروع از محمد بن یعقوب کلینی در گذشته در ۳۲۹ هجری (۹۴۱ میلادی)

دوم **من لایحضره الفقیه** از ابن بابویه قمی مکتب به شیخ صدوق در گذشته در ۳۸۱ هجری (۹۹۱ میلادی)

سوم و چهارم **التهذیب و کتاب الاستبصار** از شیخ طوسی در گذشته در ۴۶۰ هجری (۱۰۶۷ میلادی) است،

این کتب همه بر مبنی نوشته شده و اصولاً زبان مذهبی شیعه چه در تحریر و چه هنگام خواندن ادعیه دینی و زیارت قبور ائمه عربی است و استعمال این زبان در مذهب شیعه بمنزله‌ی زبان لاتین است در آثار مذهبی دیسویان کاتولیک. مذهب امامیه‌ی اثنی عشریه تا زمان صفویه در ایران غیر رسمی بود و مذهب اقلیت بشمار میرفت. کوشش سلاطین آل بویه که در قرن دهم و یازدهم میلادی بر بعضی از ولایات ایران فرمانروایی داشتند و منتقد مذهب شیعه‌ی امامی بودند در رسمی ساختن آن مذهب بملت مخالفت خلفای بغداد که نفوذ دینی و سیاسی بسیاری در ایران داشتند بجایی نرسید بعد از سقوط خلافت بغداد بدست مغول (۶۵۶ هجری) یکی از پادشاهان آن خاندان بنام سلطان محمد خدا بنده موقتاً آن مذهب را پذیرفت و در سکه و خطبه نام ائمه‌ی شیعه را نقش و ذکر نمود ولی با رسمی شدن آن مذهب عقیم ماند لیکن شیعه در پرده دامنه‌ی نفوذ خود را بین مردم شهرهای ایران هر روز گسترده ساخت تا اینکه خانوادگی شیعی مذهب بنام سرداران در اواسط قرن هشتم هجری موفق شد که حکومتی شیعی در شهر سبزوار که اکثر مردم آن شیعه بودند تأسیس نمایند. و نیز سادات رعشیه حکومتی شیعی امامی در مازنداران تشکیل دادند.

جهان‌نشا از شاهان قراقویونلو که در قرن نهم هجری در آذربایجان حکومت میکردند به شیعه بودن افتخار مینمود. پیش از ظهور صفویه بعضی از

شهرهای ایران چون قم و کاشان و سبزوار معروف بشهرهای شیعه بود و اکثر مردم آن به آن مذهب اعتقاد داشتند .

صفویه و مذهب شیعه

شاه اسماعیل صفوی که بدست عدیه‌یی از صوفیان قزلباش که مذهب شیعه داشتند روی کار آمده بود در ۹۰۷ هجری (۱۵۰۲ میلادی) به تخت سلطنت ایران جلوس کرد و علی‌رغم سلطان نیرومند عثمانی که بیبانه‌ی ادعای خلافت اسلام قصد حکومت برمسلمانان ایران و بلعیدن آن کشور را داشت از همان آغاز پادشاهی با کشتار مهیبی که از سنیان ایران کرد رسمیت مذهب شیعه را بجای طریق سنت و جماعت اعلام نموده و اعلا‌ی‌الوای این مذهب را سیاست خود قرار داد و گفتن «**اشهدان علیا ولی الله و حو علی خیر العمل**» را در اذان و اقامه عملی ساخت. اکثر سنیان ایران که از بیم شمشیر شاه اسمعیل چاره‌یی جز تسلیم نداشتند طوعاً یا کرهاً آن مذهب را پذیرفتند .

و در اندک مدتی مذهب شیعه اثنی عشری بیشتر ولایات ایران را فرا گرفت و از آن زمان تا کنون که بیش از چهارصد و هفتاد سال میگذرد شیعه‌ی جمع‌ری اثناعشری مذهب رسمی دولت و ملت ایران است و طبق اصل اول متمم قانون اساسی ایران مذهب رسمی ایران شیعه‌ی اثنی عشری است و تا ظهور قائم آل محمد مذهب رسمی این کشور خواهد بود . صفویه پس از رسمیت دادن مذهب شیعه‌ی اثنی عشری برای اینکه معارف جدیدی جانفین معارف قدیم سنی کرده باشند در صد دبر آمدند که قتهایی را از جیل لبنان که در آن روزگار مهد معارف شیعه بود و یا از احسا و بحرین که در ساحل غربی خلیج فارس قرار داشت برای تعلیم و تتبع فقه و کلام شیعه به ایران دعوت کنند و علمایی چون شیخ حر و شیخ بهاء الدین عاملی رسید نعمت الله جزایری به ایران روی نهادند .

مجتهدان شیعه

عالیترین مرکز تعلیم و تحقیق در فقه شیعه ، نجف اشرف از بلاد عراق است که مدفن علی بن ابی طالب امام اول شیعه در آنجاست و طلاب شیعه پس از فرا گرفتن سطوح کتب فقه و اصول در شهرهای ایران چون تهران، قم، مشهد و اصفهان و یا شهرهای دیگر برای حضور در محضر علمای اعلام که در مجالس درس ایشان میباحث فقهی از خارج از کتاب و بصورت خطابه ادا میشود و در خارج نام دارد . بان شهر مذهبی بسیار میگردند و معین مدارس طایفه نشین آن دارالتعلیم میشوند . حوزه‌ی علمیه‌ی این شهر که حکم عالیترین دانشگاه مذهبی شیعه را دارد از زمان شیخ طوسی در گذشته در ۶۶۰ هجری بنیاد گذارده شده است و قریب هزار سال است که طلاب علوم دینی در آن شهر به کسب معارف عالی‌ی اسلامی و شیعه‌ی اثنی عشری اشتغال دارند

طلایی که از این دارالتعلیم فارغ‌التحصیل میشوند با اجازه‌ی اجتهاد از مراجع مسلم شیعه نایل گشته و حق اظهار رأی و فتوی در مسائل مذهبی پیدا میکنند

و بنام مجتهد بوطن خود باز میگردند و بعنوان: پیشماز بارشاد مردم و طبقه عوام مشغول میشوند. و گاهی بعنوان مدرس، طلاب جوان را فقه و اصول میآموزند از مجتهدان بزرگ کسانی پیدا میشوند که بمقام اعلیٰ میرسند و فتاویٰ شرعی خود را در کتابی بنام «**رساله عملیه**» در میان مردم و مقلدان خود انتشار میدهند. مسأله‌ی تقلید از مجتهدان از اهم مسائل شیعه است همه شیعیان باید مقلد (بکسر لام) باشند یا مقلد (بفتح لام).

هیچکس تا بمقام اجتهاد نرسیده حق ندارد در مسائل دینی برای خود کار کند و ناچار باید یکی از مجتهدان بزرگ را تقلید نموده رساله علمی او را بکار بندد.

مجتهدان علم را در شیعه برخلاف سایر ادیان دستگاهی یا هیأتی تعیین نمیکنند بلکه این امر خود بخود بطور طبیعی انجام میگردد و شخصی از مجتهدان از لحاظ علم و تقدس و لیاقت اداره حوزه‌های علمی و تأمین معاش طلاب آنچنان در میان علماء و شیعیان اشتهار پیدا می‌کند که مشارالیه بالبنان میشود و همه دلها بسوی او میگردند و همگان او را اعلیٰ و افضل دانسته از او تقلید میکنند و بیجان دل مجری او میگردند.

حوزه علمی قم

این حوزه پس از نجف از مراکز مهم معارف شیعه است و بعضی از مراجع و مجتهدان اعلیٰ نیم قرن اخیر شیعه چون مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حاکری و حاج آقا حسین قمی و حاج آقا حسین بروجردی مسند اعلیٰ را در این شهر گسترده و اکنون مجتهدان بزرگی که بعضی از آنان مرجع تقلید گروه کثیری از شیعه اند در آن شهر بسر میبرند و نفوس شیعی اثنی عشری در ایران قریب پانزده میلیون است.

شیخیه

پیش از صد و پنجاه سال است که این طریقه را گروهی از شیعی امامیه پذیرفته اند. اساس این مذهب بر امتزاج تعبیرات فلسفی قدیم بر اخبار آل محمد است و مذهب بابی که از بدعتهای قرن اخیر ایران است از این طریقه پدید آمده است. مذهب شیخیه منسوب است به شیخ احمد احسائی در گذشته در ۱۲۴ هجری از اهل بحرین در مشرق عربستان و در مغرب خلیج فارس که اکنون از استانهای عربستان سعودی بشمار میرود. پس از شیخ احمد احسائی شاگرد او سیّد کاظم رشتی در ۱۲۵۹ هجری و پس از وی حاج محمد کریم خان قاجار کرمانی مسنددار این فرقه شدند که در شرح و بیان آن مذهب کتب بسیاری نوشته اند.

شیخیه معتقدند که دین را چهار رکن است: اول - معرفت خدا - دوم معرفت پیغمبر خدا محمد رسول الله، سوم - معرفت امام، چهارم - که آنرا رکن رابع گویند عبارت از تولی و تبری یعنی دوستی دوستان خدا و دشمنی دشمنان او

یعنی منکران خدا و رسول و ائمه است .

مبین این رکن مجتهدی است، مقترض الطاهه از آن فرقه که حجیت ائمه است و احکام آل محمد را برای مردم و شیعیان بیان مینماید و چه بسا خود او را رکن رابع گویند . بمقیده‌ی ایشان رکن رابع واسطه بین شیعیان و امام غایب است . شیخیه معاد جسمانی را انکار کرده و گفتند پس از هر گک تنها از آدمی مادی لطیفی بیجا مینماید که از آن بجسم هورقلیایی تعبیر کرده‌اند و گویند آن همان است که در روز رستاخیز قیام خواهد کرد .

مرکز شیخیه‌ی کریمخانی بیشتر در کرمان است و رئیس ایشان را در کرمان «سرکار آقا» خوانند . گروه دیگر از شیخیه که از پیروان حاج میرزا شهبیح تبریزی (در گذشته ۱۳۰۱ هجری) از شاگردان سید کاظم رشتی هستند . رکن رابع را انکار کرده در این مسئله با کریمخانیان اختلاف دارند ازینرو آنها را بطور اطلاق شیخیه گویند و مرکز ایشان بیشتر در آذربایجان است . چون مؤسس فرقه شیخیه بشیخ احمد احسائی از روی احترام به بالاسر قبر امام پای نهی گذاشت . و دیگر شیعیان در این کاره نمی نمودند از اینرو شیخیه شیعیان مخالف خود را «بالاسری» گفته‌اند .

یهود در ایران

یهودیان قدیمی تری از اقلیتی هستند که در ایران سکونت دارند از سال ۵۳۸ ق م که شهر بابل بدست کوروش فتح شد و اسرای یهودی آن شهر در زمره‌ی دیگر اسرا آزاد گردیدند یهودیان آن شاهنشاه را منجی خود دانسته گروه بسیاری از ایشان به ایران روی آوردند و در دوره‌ی اقامت ۲۰۰۰ ساله‌ی خود در ایران بیشتر شهرهای همدان اصفهان شیراز شوش و شوشتر و نهاوند و کاشان و دریکترن اخیر تهران را برای سکونت خود اختیار کرده‌اند . این قوم اکنون در غالب شهرهای ایران وجود دارند و به کسب و تجارت مشغولند طبق قانون اساسی ایران دین یهود از مذاهب رسمی این کشور است و آنان دارای یک نماینده‌ی منتخب از میان خود در مجلس شورای ملی هستند . با وجود مهاجرت گروه کثیری از ایشان بکشور جدید لتاویس اسرائیل تعداد یهودیان ایران بالغ بر ۶۵۲۶۳ تن میباشد

مسیحیت در ایران

مذهب مسیح در ایران بزمان اشکانیان میرسد دین مسیح از همان قرن اول میلادی در بین النهرین و مغرب ایران پیروانی پیدا کرد و حتی در دوره‌ی ساسانی در میان زرتشتیان رواجی بسیار یافت و شاید اگر دین اسلام صدسال دیرتر بایران میآمد اکثر مردم این سرزمین بمذهب مسیح در میآمدند .

شیوع مسیحیت در ایران از قدیم بیشتر بین دو اقلیت ارمنی و آسوری بوده است ارمنیان غالباً گریگوری و آسوریان اغلب نسطوری بوده‌اند . اسلام و اساس یکتاپرستی آن همواره مانع گسترش مسیحیت در ایران و اعتقاد به سه گانه پرستی و تثلیث شده است شاید در دوره‌ی تاریخ ایران بعد از اسلام خیلی بندرت کسانی

بوده‌اند که مذهب مسیح را از روی ایمان پذیرفته‌اند زیرا فلسفه‌ی تثلیث برای يك مسلمان موحد که بر اثر تعلیمات اسلام دماغش به تصور خدای یکتائی که نمیتواند شريك و قرزنه‌ی پیدا کند عادت کرده قابل درك نیست از این جهت میتوان مسیحی‌کاتولیک و پروتستان که از ۱۵۰ سال پیش برای تبلیغ مذهب مسیح به ایران آمدند چون از مسیحی شدن ایرانیان مأیوس گردیدند ناچار بسراغ دیگر فرق مسیحی ایران چون ارمنیان گریگوری و آسوریان نسطوری رفته تا حدی موفق شده‌اند که گروهی از آنان را به مذهب کاتولیک یا پروتستان در آورند. مسیحیان ایران همواره در تنزاینند طبق آمار کلیسای انجیلی تهران در ۹۰ سال پیش در تهران ۱۱۰ خانوار مسیحی وجود داشته و در صورتیکه در سرشماری سال ۱۳۲۵

شمسی تعداد نفوذ مسیحیان تهران بالغ بر ۶۶۵۳۵ تن بوده است یکی از عوامل ازدیاد مسیحیان در ایران تغییر اوضاع سیاسی کشور های شوروی و ترکیه طی نیم قرن اخیر و سوء ساوک آزان با مسیحیان و در نتیجه مهاجرت گروهی از ایشان به ایران بوده است اکنون تعداد نفوس مسیحیان در ایران از دیگر اقلیتهای رسمی مذهبی بیشتر است وعده ایشان بالغ بر ۱۱۴۵۲۸ تن میباشد طبق قانون اساسی دین مسیح از مذاهب رسمی کشور است و اقلیتهای مسیحی سه نماینده در مجلس شورای ملی دارند که دو نماینده از ارمنیان و یک نماینده از آسوریان میباشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی